چرا سردمداران جریان فتنه از درک شکوه و عظمت ملت ایران ناتوانند؟

محصور در توهم؛ متوقف در تقویم!

ایلیا داوودی
روزنامه‌نگار

به تازگی یکی از سایت‌های بیگانه متنی منتسب به یکی از عاملان اصلی فتنه ۸۸ را منتشر کرده که تعجب بسیاری را برانگیخته است؛ به طوری که حتی کسانی که پیش‌تر از وی طرفداری می‌کردند، حال نسبت به انتشار چنین متنی بدون چهارچوب و بدون استدلال با الفاظی گستاخانه که حتی از سطح تحلیل‌های سیاسی کوچه بازاری نیز پایین‌تر است، بدون پاسخ مانده‌اند، به گونه‌ای که برخی از حامیان وی در صحت انتساب این نوشته نیز تردید کرده‌اند! اما انتشار آن از سوی سایت متبوع وی جای هیچ گونه شک و شبهه‌ای را در انتساب متن به نویسنده‌اش باقی نمی‌گذارد. متن تا اندازه‌ای سست و بی‌پایه است که به نظر می‌رسد در همان روزهای پرالتهاب فتنه ۸۸ نوشته شده و احتمالاً ممکن است یکی از بیانیه‌های منتشرنشده بوده که حال، تحت عنوان مقدمه و به عنوان متنی جدید منتشر شده است! به این دلیل که هم، سطح استدلال‌ها و هم حتی سطح اطلاعات نگارنده در همان روزها متوقف مانده است. اگر این گونه نباشد؛ لاجرم باید گفت که خود نگارنده در همان روزها محصور مانده است و به نظر می‌رسد که در طول این مدت اصلاً در جریان اخبار، تحلیل‌ها و حتی نظرات فعالان سیاسی طرفدار خودش نیز قرار نگرفته است.

اگر در یک دهه پیش اهمیت راهبردی حمایت از جبهه مقاومت و مبارزه با داعش به دلیل پیچیده بودن موضوع، چندان بر برخی واضح و مبرهن نبود و استدلال‌های متقن حکیم فرزانه انقلاب و بیانات ایشان چندان مورد توجه جریان‌های ناهمسوی داخلی قرار نمی‌گرفت، حال با گذشت چند دهه دیگر حتی تحلیلگران امریکایی و اسرائیلی مخالف با ایران هم دریافته‌اند که حمایت ایران از جبهه مقاومت و نقش‌آفرینی فعال آن در منطقه، روز به روز بر اهمیت جایگاه راهبردی ایران در مناسبات بین‌الملل افزوده است؛ سؤال اینجا است که در چنین شرایطی، طرح مطالبی تا این اندازه سطحی و سخیف چه معنایی دارد و جز با استناد به ساده‌لوحی مسبوق به سابقه نگارنده‌اش چگونه می‌توان آن را توجیه کرد؟

نویسنده این متن چنان حمایت ایران از جبهه‌های مقاومت در راستای مبارزه با جنایات غرب و آل سعود را محکوم کرده که گویی خود یکی از حامیان این جنایات بوده است! قابل تأمل آن است که این متن در روزهایی منتشر شده که رژیم سفاک صهیونیستی همچنان به جنایات وحشیانه‌اش در قبال ساکنان مظلوم غزه ادامه می‌دهد و اجساد کودکان بی گناه به تازگی در دل خاک آرمیده‌اند؛ گویی که اصلاً نویسنده آنها چنین جنایاتی را نمی‌بیند.

نویسنده چنان دوگانه بهار عربی- بیداری اسلامی را طرح می‌کند، که گویی اصلاً در جریان نیست که خیزش‌های مردم در کشورهای مسلمان علیه نظام‌های سیاسی، در حقیقت خیزش مسلمانان بوده است؛ نه خیزش اعراب و هر جا این خیزش‌ها حقیقی و واقعی بوده‌اند (همچون قیام ملت مصر) به نتیجه رسیده‌اند و در عوض هرجا چنین تحرکاتی جعلی و کاذب بوده‌اند و غرب و رژیم صهیونیستی در آنجا بازیگردان واقعی بوده‌اند، نتوانسته‌اند کاری از پیش ببرند؛ همچون رویدادهای کشور سوریه که در نهایت با آگاهی و هوشیاری ملتش، این کشور توانست ثبات خود را حفظ کند.

مباحثی که نویسنده متن عنوان می‌کند، بیان کننده آن است که گویی وی در همان سال ۱۳۸۸ متوقف مانده است (صرف نظر از اینکه همان نسخه ۸۸ وی نیز همچنان در دهه ۶۰ متوقف مانده بود!). طرح ادعاهایی مانند جانشینی موروثی، اکنون آنقدر مضحک است که حتی دیگر سلطنت طلب‌ها و منافقین هم دریافته‌اند که نمی‌توانند با چنین القائاتی ذهن جامعه ایرانی را نسبت به واقعیت منحرف سازند؛ حال جای تعجب است که نویسنده متن، به آنها روی آورده است؛ جالب اینجا است که وی درخواست کرده تا اگر چنین ادعاهایی صحت ندارد، مورد تکذیب قرار گیرند! اگر قرار باشد که چنین ادعاهای سست و بی پایه‌ای مدام مورد تکذیب قرار گیرند که باید یک وزارت تکذیبیه هم در کشور تشکیل داد تا هرروز به ده‌ها و صدها ادعای مضحک و پوچی که در رسانه‌های جاهل داخلی و معاند خارجی طرح می‌شود، پاسخ دهد!

■ ساده‌لوحی تاریخی

با گذشت بیش از چهار دهه از روی کار آمدن نظام مقدس جمهوری اسلامی، نویسنده نه تنها هنوز از درک ساده‌ترین موضوعات مرتبط با نظام و حکمرانی عاجز و ناتوان است بلکه گویی حتی ملت ایران را هم ندیده و نمی‌شناسد؛ اکنون سال ها از شکست پروژه ای که هدفش تعمیم پروژه اسقاط نظام های عربی به ایران بود، می گذرد؛ پروژه ای که در تلاش بود با دستاویز قرار دادن و تکرار دروغ تقلب در انتخابات و البته بدون ارائه هیچ گونه مستنداتی برای آن، چراغ سبزی به ایالات متحده و رژیم صهیونیستی برای مداخله های سلطه جویانه نشان دهد که البته با حضور به موقع ملت ایران در صحنه و رهنمودهای حکیم فرزانه انقلاب ناکام ماند. با این وجود پیمانکار آن پروژه چنان عصبانیتی از ناکامی در تبدیل ایران به جولانگاه تروریسم دارد که نمی تواند کینه حقیرانه خود را از سرداران مقاومت که دل های مردم حرم آنها است پنهان کند. گویی وی حضور با شکوه آحاد ملت ایران در طول تمام این سال‌ها را ندیده و حتی در جریان اخبار آن قرار نگرفته است؛ آیا حضور میلیون‌ها ایرانی با هر سلیقه و عقیده سیاسی و دینی در تشییع شهدای مدافع حرم همچون شهید حججی و شهدای دیگر، تشییع سردار شهید همدانی و وداع تاریخی و با شکوه با پیکر سردار شهید حاج قاسم سلیمانی خود مهر تأیید بر همراهی ملت ایران با نظام طیبه جمهوری اسلامی در مبارزه با دشمنان اسلام و ایران نبوده است؟ اگر پاسخ منفی است، پس چگونه باید ملت عظیم‌الشأن، همراهی خود را به مخالفان ثابت کند؟ و اگر پاسخ مثبت است پس طرح چنین ادعایی که اکنون دیگر کمتر کسی حتی بدان‌ها فکر می‌کند، چه دلیلی دارد؟

اگر هر کس دیگری که تاکنون در ایران زندگی نکرده یا ایرانی نبوده، چنین متنی را می‌نوشت، باز هم جای تعجب نبود؛ اما عجیب آنجا است که چنین مطالبی توسط کسی طرح می‌شود که روزی خود را نماینده تمام مردم ایران می‌دانست و خود را شایسته‌ترین فرد برای تصاحب منصب ریاست جمهوری می‌دید و چه هوشیار بودند ملتی که توانستند در همان بزنگاه تاریخی، بار دیگر آگاهی تاریخی خود را به رخ افراد ناآگاه و معاند بکشانند و با حضور و انتخاب خود مشتی کوبنده بر دهان فتنه گران بزنند.

■ بازیگردان کیست؟

عنوان شده که متن منتشره، مقدمه نگارنده‌اش بر ترجمه عربی بیانیه‌های جنبش جعلی به اصطلاح سبز است؛ اما لازم است پرسیده شود که اصلاً این بیانیه‌های بی هدف و بی اثری که حتی در زمان صدور خود هم دیده نشدند، حالا چه ارزشی داشته‌اند که قرار است به زبان عربی هم ترجمه و منتشر شوند؟!

به نظر می‌رسد با توجه به نکاتی که گفته شد، چنین متنی که هم بسیار سست است و هم بسیار گنگ، به خودی خود چندان ارزشی ندارد؛ بلکه باید آن را در چهارچوب پروژه‌ای به حساب آورد که در روزهای اخیر کلید خورده است؛ پروژه‌ای که پیشبرندگان آن جریان‌های ناهمسو و ناآگاه داخلی و جریان‌های رسانه‌ای معاند هستند؛ جریان‌هایی که از مخالف تراشی‌های کاذب، سود خود را می‌برند و اهداف براندازانه خود را دنبال می‌کنند.

حال، پس از گذشت نزدیک به ۱۳ سال از روزهای پرالتهابی که سردمداران فتنه باعث و بانی‌اش بوده‌اند و در شرایطی که نظام طیبه جمهوری اسلامی با صرف نظر از مجازات قانونی و سخت آنها رویکردی رأفت‌آمیز داشته و در طول سال‌های اخیر نیز از محدودیت‌هایشان کاسته، به نظر می‌رسد که معاندان سعی دارند با برجسته‌سازی موضوعات مرتبط با سردمداران فتنه، شرایط سیاسی و اجتماعی را دچار تنش کرده و منافع خود را از این طریق کسب کنند. در خوش‌بینانه‌ترین حالت به نظر می‌رسد که سردمداران فتنه، همانند سال ۸۸، این بار نیز ملعبه دست جریان‌های سلطنت‌طلب و منافقین شده‌اند و در این صحنه‌گردانی، اسیر گردابی از جهل و عناد شده‌اند که روز به روز بیشتر در آن فرو خواهند رفت.

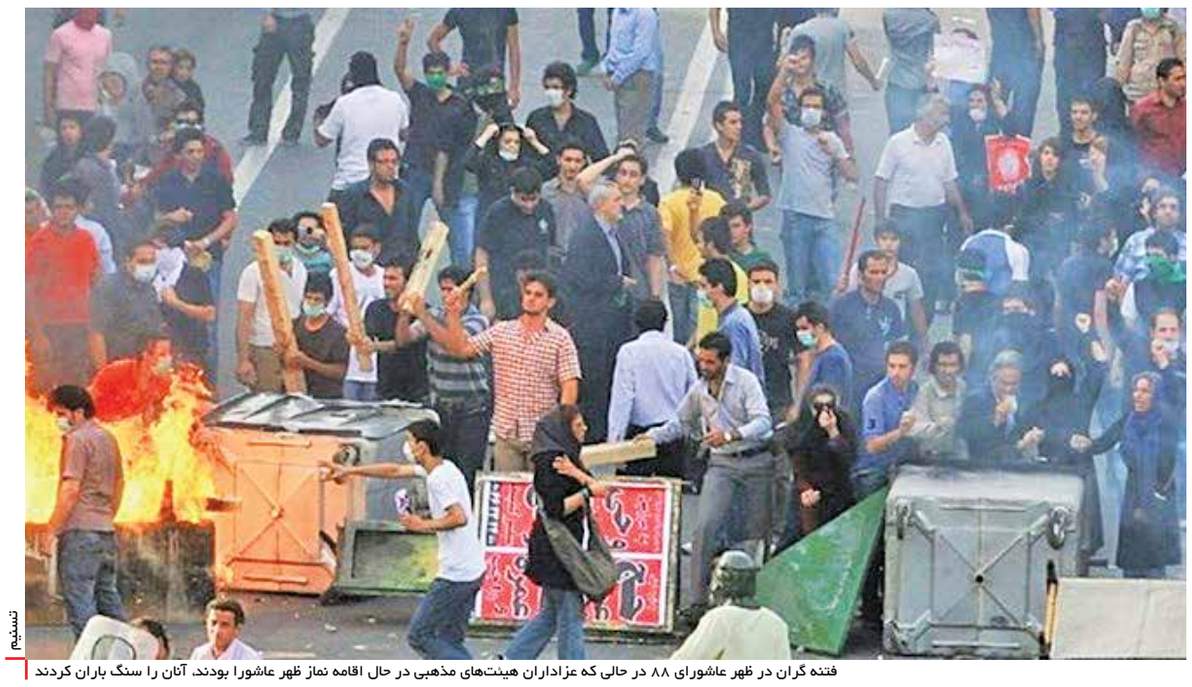

تسنیم

فتنه گران در ظهر عاشورای ۸۸ در حالی که عزاداران هیئت‌های مذهبی در حال اقامه نماز ظهر عاشورا بودند، آنان را سنگ باران کردند

> **اگر یک دهه پیش اهمیت راهبردی حمایت از جبهه مقاومت و مبارزه با داعش به دلیل پیچیده بودن موضوع، چندان بر برخی واضح و مبرهن نبود و استدلال های متقن حکیم فرزانه انقلاب و بیانات ایشان چندان مورد توجه جریان های ناهمسوی داخلی قرار نمی گرفت، حال با گذشت چند دهه حتی تحلیلگران امریکایی و اسرائیلی مخالف با ایران هم دریافته اند که حمایت ایران از جبهه مقاومت و نقش آفرینی فعال آن در منطقه، روز به روز بر اهمیت جایگاه راهبردی ایران در مناسبات بین الملل افزوده است؛ سؤال اینجا است که در چنین شرایطی، طرح مطالبی تا این اندازه سطحی و سخیف چه معنایی دارد و جز با استناد به ساده لوحی مسبوق به سابقه نگارنده اش چگونه می توان آن را توجیه کرد؟**

یکی از معتبرترین دانشگاه‌های دولتی در امریکا در مطالعه اخیر خود اعلام کرد

ایالات متحده در ۳۵۰ کودتا دست داشته است

سحر سماوات
روزنامه‌نگار

نظرسنجی مرکز کلین در دانشگاه ایلینوی واقع در ایالت ایلینوی نشان می‌دهد که از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۹، ایالات متحده در ۳۵۰ کودتا مشارکت داشته است که از این تعداد ۱۵۰ مورد موفقیت‌آمیز بوده است. این افشاگری پس از اظهارات جان بولتون، مشاور امنیت ملی سابق کاخ سفید که اعتراف کرد در سازماندهی کودتا در کشورهای خارجی دست داشته ، برجسته شده است.این مطالعه در یک مقاله نظری در واشنگتن پست مورد بررسی قرار گرفته که در آن نویسنده دوره‌ای را که طی آن بولتون به‌عنوان مشاور امنیت ملی خدمت کرده و دوره کنونی فعالیت وی را با کودتاهایی که واشنگتن در آن مشارکت داشته ، تجزیه و تحلیل کرده است. جان بولتون، سفیر پیشین ایالات متحده در سازمان ملل و مشاور امنیت ملی کاخ سفید در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ تأیید کرده بود که به طراحی کودتا در کشورهای دیگر کمک کرده است؛ بولتون در پاسخ به این پرسش که «احتمالاً مواردی فراتر از ونزوئلا وجود دارد که شما به ما نمی‌گویید» این موضوع را تأیید کرده بود و گفته «مطمئناً وجود دارد.»

بسیاری از کارشناسان سیاست خارجی از تاریخ طولانی مداخلات ایالات متحده در کشورهای دیگر انتقاد کرده‌اند. از جمله این اقدامات نقش امریکا در سرنگونی محمد مصدق، نخست‌وزیر ملی‌گرای ایران در مرداد ۱۳۳۲ و وارد شدن به جنگ ویتنام و تهاجم به عراق و افغانستان بوده است. اولین نتیجه‌ای که فیلیپ بامپ، تحلیلگر و نویسنده مقاله به آن دست یافته این است که از ۳۵۰ کودتای ایالات متحده، ۱۹۱ کودتا در زمانی که بولتون در قدرت بوده رخ داده است.

این روزنامه نگار تصریح می‌کند که رقم ۱۹۱ شامل کودتاهایی است که در زمانی رخ داد که بولتون در موقعیتی قرار داشته که می‌توانسته در کودتا تأثیرگذار باشد؛ مانند زمانی که او دستیار مدیر آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) بوده و یا زمانی که سمت دستیار دادستان کل در وزارت دادگستری را داشته است. این نویسنده همچنین اضافه می‌کند در زمانی که بولتون در وزارت امور خارجه، سفیر سازمان ملل یا مشاور امنیت ملی ترامپ در دوران تصدی مسئولیت کودتا در ونزوئلا بوده، ۱۳۱ کودتا در فراسوی مرزهای ایالات متحده صورت گرفته است. خبرنگار واشنگتن پست فهرستی را از حمله به افغانستان گرفته تا کودتا در ونزوئلا که با مداخله دولت ترامپ صورت گرفته، تهیه کرده است. در اکتبر ۱۹۸۹، تلاشی برای سرنگونی دیکتاتور پاناما، مانوئل آنتونیو نوریگا صورت گرفت. او پس از هجمه به سیاست‌های ایالات متحده، در دسامبر همان سال از قدرت برکنار شد. در سال ۱۹۹۲، کودتایی در افغانستان به طور مشابه منجر به برکناری رهبر این کشور، متحد دیرینه اتحاد جماهیر شوروی شد.

بر اساس این مقاله در زمانی که بولتون در خدمت جورج اچ دبلیو بوش بود، در چندین کشور دیگر نیز کودتا انجام شد؛ از جمله در فیلیپین، آذربایجان، بنگلادش و رومانی که در آنجا نیکولای چائوشسکو، سرنگون شد.

این تحلیلگر می‌افزاید که پس از تهاجم به افغانستان، مهم‌ترین کودتا، برکناری ژان برتراند آریستید، رئیس جمهور هائیتی در مارس ۲۰۰۴ همزمان با تصدی دولت بوش بود. در سال ۲۰۱۸، بولتون سومین مشاور امنیت ملی ترامپ شد. در همین دوره بود که آنها چندین بار تلاش کردند تا نیکلاس مادورو، رهبر ونزوئلا را از قدرت برکنار کنند، اما موفق نشدند.

این تحلیلگر توضیح می‌دهد که تلاش بولتون برای سلب مسئولیت از خود در حوزه برنامه‌ریزی این کودتاها تنها توجیهی برای کاهش فشار رسانه‌ها و افکارعمومی بوده است و ایالات متحده باید در قبال دخالت‌های خود پاسخگو باشد. پایان جهان دوقطبی، ایالات متحده را از داشتن یک دشمن بزرگ محروم کرد. تلاش کلینتون به عنوان نخستین رئیس جمهور ایالات متحده پس از پایان جنگ سرد برای بازی کردن نقش نسبتاً بی‌طرفانه‌تری در منازعات بین‌المللی، بویژه در کشورهای عربی خاورمیانه چندان موفقیت‌آمیز نبود. بودجه عظیم نظامی ایالات متحده که پس از جنگ سرد تنها اندکی تعدیل یافته بود و از ۳۰۰ میلیارد دلار به ۲۶۰ میلیارد دلار رسیده بود، تنها در پرتو یک سیاست خارجی تهاجمی و توسعه طلبانه قابل توجیه بود. حمله یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ به برج های دوقلوی تجارت جهانی و پنتاگون، به ایالات متحده اجازه داد که نخست به عنوان قربانی تروریسم بین‌المللی و با مظلوم نمایی از سازمان ملل متحد مجوز حمله به افغانستان را بگیرد و سپس به بهانه حفظ امنیت بین‌المللی در منطقه آسیای میانه مستقر شود.

حملات گاه به گاه باقیماندگان القاعده، دستاویز خوبی برای حضور ایالات متحده در آسیای مرکزی است. اعلام سه کشور کره شمالی، عراق و ایران پس از استقرار نیروهای امریکایی در افغانستان به عنوان محور شرارت، بیانگر آن بود که ایالات متحده در صدد است با دستاویز مبارزه با تروریسم، حکومت‌هایی که منافع ملی آن را به مخاطره می‌اندازد، از سر راه بردارد.

ایالات متحده از آغاز شکل گیری، یک سیاست خارجی مداخله‌جویانه را در پیش گرفته بود. در دهه‌های نخست تشکیل این کشور، درگیری با قدرت‌های استعماری انگلیس، فرانسه و اسپانیا اساس کار این سیاست را تشکیل می‌داد. در پیش گرفتن این سیاست، نتیجه اعتقاد به «بیانیه تقدیر» بود. نکته مهم در بیانیه تقدیر آن است که چنین مقدر شده که امریکایی‌ها به واسطه وجود دو اقیانوس اطلس و آرام در میانه، از خطر تهاجم نیروهای خارجی در امان باشند!

نگاهی به تاریخ ایالات متحده نشان می دهد که ماهیت سیاست در این کشور با مداخله های خارجی گره خورده است؛ به طوری که به رویه ای ثابت در سیاست خارجی آن تبدیل شده است؛ جنگ با مکزیک (۴۸- ۱۸۴۶) و اسپانیا (۱۸۹۸) زمینه گسترش بیشتر به سمت جنوب و غرب را فراهم کرد. در پایان قرن نوزدهم، ایالات متحده نه تنها مرزهای خود را تا اقیانوس آرام گسترش داده بود، بلکه هاوایی و فیلیپین را که هر کدام حدود ۲۵۰۰ مایل با آن کشور فاصله داشتند و نیز کوبا را که مجاور ایالات فلوریدا قرار دارد، به صورت مستعمره اداره می‌کرد.

بین سال‌های ۱۹۴۷ تا سال‌های میانی ۱۹۸۰، ایالات متحده به بهانه مبارزه با کمونیسم نه تنها به مداخله در امور داخلی دیگر کشورها می‌پرداخت، بلکه در صورت لزوم به سرنگونی آنها اقدام می‌کرد. با آنکه پایان جنگ سرد در آغاز، نوید جهانی دور از تنش را می‌داد، اما آنچه در عمل مشاهده می‌شود آن است که تلاش امریکا برای تثبیت جایگاه خود به عنوان پلیس بین‌المللی، امنیت بین‌المللی را برهم زده است.

تسنیم

جان بولتون، مشاور امنیت ملی سابق کاخ سفید اخیرا اعتراف کرد که ایالات متحده در کودتاهای مختلف در دیگر کشورها دست داشته است

شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور

آگهی تجدید مناقصه عمومی
شماره (۱۴۰۱-۴۲-م)

نوبت اول

وزارت جهاد کشاورزی
شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور

۱ **مناقصه‌گزار: شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور** به شناسه ملی ۱۴۰۰۲۷۷۱۷۳۶ و شماره اقتصادی ۴۱۱۱۱۳۶۷۳۷۷۱

به نشانی: تهران- میدان ونک - خیابان برزیل شرقی- پلاک ۳۳- طبقه همکف - کمیسیون معاملات

۲ **موضوع تجدید مناقصه:** حمل ریلی - ترکیبی ۳۰۰ هزار تن محمولات علوفه‌ای وارداتی شرکت از مبدأ خوزستان - بندر امام خمینی(ره) به مقاصد پیش‌بینی شده

از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به‌شماره مناقصه: ۲۰۰۱۰۰۱۰۱۴۰۰۰۰۶۴

۳ **نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:** اصل فیش واریزی وجه نقد به‌شماره حساب شبا IR۹۰۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۳۹۸۰۶۳۷۰۵۶۴ با کد شناسه شماره ۹۳۱۲۰۳۹۰۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱۱ خزانه بانک مرکزی قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی ایران و سایر بانک‌های مجاز یا ضمانت‌نامه بانکی به‌نام مناقصه‌گزار (کلیه بانک‌ها به‌جز بانک سرمایه و بانک ایران زمین) و یا اوراق مشارکت بی‌نام تضمین شده بانک‌ها و دولت با قابلیت بازخرید قبل از سررسید (موضوع قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت) را ضمن درج در سامانه ستاد در پاکت الف لاک و مهر شده تا ساعت ۱۷ روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۵ به مناقصه‌گزار تسلیم گردد.

۴ **مبلغ و مدت اعتبار تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۳۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سی وشش میلیارد ریال)** به‌نام شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور با حداقل ۳ ماه اعتبار از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول

۵ **زمان دریافت اسناد، ارائه پیشنهاد و گشایش پیشنهادهای مالی:**

۵-۱- مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد: تا ساعت ۱۹ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۶

۵-۲- مهلت ارائه پیشنهاد در سامانه ستاد: تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

۵-۳- مهلت تحویل پاکت الف محتوی اصل تضمین: تا ساعت ۱۷ روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

۵-۴- زمان بازگشایی و رسیدگی به پیشنهادها: ساعت ۱۰ صبح روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۶ واقع در نشانی مناقصه‌گزار

۶ **خرید اسناد:** متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند پس از واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال (غیرقابل استرداد به‌شماره حساب شبا IR ۳۱۰۱۰۰۰۰ ۴۰۰۱۰۳۹۸۰۴۰۰۶۰۸۷ با کد شناسه شماره ۳۷۷۰۳۹۸۸۲۲۰۳۹۰۰۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱۱۰۳ به‌صورت پایا به خزانه بانک مرکزی از طریق سامانه ستاد) در زمان مهلت دریافت اسناد (ردیف ۱- ۵ آگهی) به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه و اسناد مناقصه را دریافت نمایند.

۷ مراحل برگزاری مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۱۹ می‌باشد.

۸ سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.

روابط عمومی